

دیدار گروهی از روحانیون و ائمه جمعه و استایدهای حوزه های علمیه اهل سنت - 5 دی / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا به آقایان محترم و برادران عزیز خیر مقدم و خوش آمد عرض می‌کنم و خیلی خوشحالم که بعد از چندی، باز آقایان عزیز را زیارت می‌کنم.

ما با بعضی از شما سوابق دوستی زیادی هم داریم و از سالهای قبل، با هم نشستیم و برخاستیم و درباره‌ی مسایل دنیای اسلام بحث کردیم. بد نیست این نکته را در این جا بگویم که نطفه‌ی اصلی هفته‌ی وحدت - که حالا بحمدالله سالهاست تشکیل می‌شود - قبل از پیروزی انقلاب شکل گرفت. ما در سال 57 قبل از پیروزی انقلاب، با این آقای مولوی قمرالدین در ایرانشهر مذاکره کردیم که بیاییم یک عید دوطرفه داشته باشیم و از دوازدهم تا هفدهم ربیع را جشن بگیریم. مذاکره‌اش در آن وقت انجام شد که اتفاقاً همان روزها هم بود که در ایرانشهر سیل آمد و جشن و همه چیز ما را برد. البته، آن سیل هم یکی از الطاف خفیه‌ی الهی بود و ما را با وضع زندگی مردم بیشتر آشنا کرد. داخل کپرهای و خانه‌ها رفتیم و وضع زندگی مردم را از نزدیک دیدیم. قبل از آن، چند ماه در ایرانشهر بودیم؛ اما ظاهر قضیه را می‌دیدیم. مردم، ما را نمی‌شناختند و ما هم مردم را نمی‌شناختیم. بعد که سیل آمد، هم ما مردم را شناختیم و هم مردم قدری با ما آشنا شدند.

این مسأله‌ی وحدت که در این دیدار صمیمی و دوستانه می‌خواهم بیشتر از همه روی آن تأکید کنم، یک مسأله‌ی حیاتی است. نه این که بگویم برای جمهوری اسلامی حیاتی است - البته اهمیتش برای جمهوری اسلامی جای شک نیست - اما حقیقتاً برای اسلام و دنیای اسلام حیاتی است. شما ملاحظه کنید، امروز دنیا به سمت بلوک‌بندی می‌رود؛ یعنی هر چند کشور در گوشه‌ی بی، به ادنی مناسبتی با هم اتحاد و اتفاق پیدا می‌کنند. مثلاً کشورهای عضو پیمان آ.سه. آن در شرق آسیا، جامعه‌ی مشترک اروپا، اتحاد ورشو (تا وقتی که اروپای شرقی قبل از حوادث اخیر هویتی داشت)، اتحاد کشورهای حول و حوش خلیج مکزیک، سازمان ملل، غیرمتعهدها و تمام این واحدهای پراکنده در همه‌ی دنیا، به واحدهای پیوسته تبدیل می‌شوند. علت هم این است که در این دنیا می‌فهمند که هر واحدی، به تنهایی قادر بر تأمین نیازهای خودش - از جمله نیاز دفاع از خود - نیست و باید با هم دست به یکی کنند.

در عین این که دولت‌ها و قدرتها و اداره‌کنندگان جهان، برای مصالح دولتها و مسایل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می‌روند، تمام تلاشهای استکبار در جهت تضعیف ملتها و بخصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به کار می‌رود. شیعه و سنی که مسأله‌ی امروز نیست؛ قرن‌هاست که در اسلام، شیعه و سنی‌یی وجود دارد. در خود مذهب سنی، اشعری و معتزلی و مذاهب مختلف وجود دارد. در شیعه، شش امامی و دوازده امامی و اخباری و اصولی وجود دارد. همان دسته‌بندیهایی که در تسنن هست، همانها در تشیع هم وجود دارد. انواع و اقسام دسته‌بندیها و فرقه‌بندیها، یا بر اثر سوء سیاست و یا بر اثر سوء فهم و یا با دست مغرض و یا بر اثر جهالت به وجود آمده است. اینها که جدید نیست؛ اما شما ببینید که امروز در دنیای اسلام، علیه وحدت مسلمین چه قدر تلاش می‌شود.

همین الان من در کتابخانه‌ی خودم، یک قفسه از کتابهایی که با چاپهای اعلا و با اسمهای محترم مثل استاد فلان دانشگاه، در پنج شش سال اخیر در نهایت تلاش و لجاجت علیه شیعه نوشته شده است، دارم. نقطه‌ی مقابله هم از این طرف شده است. شاید بعضی از آقایانی که با من سوابق نشست و برخاست دارند، می‌دانند که من هیچ بنا ندارم که در قضایا، یک طرفه قضاوت کنم. اینها علیه آنها و آنها علیه اینها می‌نویسند که هیچ کدام هم سالم نیست.

وقتی بعضی از پدیده‌های داخل شیعه را که چیزهایی در آن بود و گزنده می‌نمود، تعقیب می‌کنیم، به جاهای مشکوک می‌رسیم و کاملاً روشن است که به نقاط مشکوک ارتباط پیدا می‌کند. در سنی هم همین طور است. در

همین علمای بلوچستان، زیدی یک مقدار کارهایی می‌کرد که وقتی بعداً تحقیق کردیم، به یک جاهای مشکوک و وابسته رسید. بنابراین، می‌بینید که دستهای استکبار و استعمار و سیاستهای جهانی تلاش می‌کنند که در بین جامعه‌ی مسلمین اختلاف بیندازند.

البته بعد از پیروزی انقلاب، اختلاف افکنی شدت پیدا کرده است؛ چون از انقلاب اسلامی و حیات مجدد اسلام می‌ترسند. اسلام قوی است. قوت و معنویت اسلام آن‌چنان است که اگر به شرایطش عمل بشود و واقعا اسلام پیاده گردد، قدرتهای دنیا و تختها را می‌لرزاند. آنها از این می‌ترسند و به همین خاطر نمی‌خواهند بگذارند قوت و معنویت اسلام زنده بشود. می‌بینند که در این کشور، اسلام حیات پیدا کرده است و ما مجدداً به مبانی و احکام اسلامی برگشته‌ایم و زندگیمان را اسلامی می‌کنیم. آنها از این می‌ترسند و می‌خواهند که نباشد.

یکی از طرق مبارزه با این پدیده‌ی که برای آنها به شدت ترسناک می‌باشد، همین است که این‌جا را از بقیه‌ی مسلمانان غیر شیعی دنیا ایزوله کنند و انقلاب ما را به عنوان یک انقلاب شیعی وانمود نمایند و دعوای بین شیعه و سنی را هم تقویت کنند تا نتیجه این بشود که مسلمانان دنیا که امروز به نام ما شعار می‌دهند، آن را متوقف کنند. آقای مولوی مدنی، در بعضی از کشورهایی که ما رفتیم، تشریف داشتند و می‌دانند که وقتی مسلمان فلان کشور می‌بیند رئیس یک کشور اسلامی آمده است، اصلاً یادش نیست که این شخص شیعه یا سنی است. فقط یادش است که این شخص، مسلمان است. به همین خاطر، احساس عزت می‌کند و شعار می‌دهد. می‌خواهند این را که مسلمانان دنیا به نام اسلام و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شعار می‌دهند، متوقف کنند و یا از بین ببرند. چه چیزی بهتر از این که بگویند شما از انقلاب اسلامی ایران جدا هستید. او یک چیز دیگر است و شما یک چیز دیگر هستید!

او که با اصل اسلام دشمن است، در خصومت، برایش شیعه و سنی فرقی نمی‌کند. دیدیم که استکبار چگونه روی انقلابیون سنی در فلسطین و مصر فشار می‌آورد. اینها که شیعه‌ی دوازده امامی نیستند. همه‌ی اینها برادران اهل سنت ما هستند. می‌بینید که چه فشاری روی اینها می‌آورند. برای استکبار که فرقی نمی‌کند. اما او که با اسلام و شعب اسلام و ملت اسلام - از هر شکلیش - مخالف است، حالا در موضع یکی از این فرقه‌ها قرار می‌گیرد و علیه یک فرقه‌ی دیگر تلاش می‌نماید و پول خرج می‌کند. ما باید هوشیار باشیم.

برادران! از دشمن، انتظار دوستی نیست. دشمن، دشمن است. دوست است که باید چشمش را باز کند و آگاه باشد. به نظر من، شما علمای اهل سنت، امروز مسؤولیت سنگین و زیادی دارید. آن مسؤولیت این است که در حیطه‌ی زندگی و در آن بلدی که شما زندگی می‌کنید، خدای متعال مقرر کرده است که حاکمی به سبک اسلام در آن‌جا باشد. قبلاً این‌طور نبوده که حاکمی بر مبنای دین انتخاب شود؛ ولی الان در کشور ما این گونه است. آن چیزی را که انتخاب می‌کنند، بر مبنای دین انتخاب می‌کنند؛ نه بر مبنای امور دیگر. کشور ما کشوری است که در آن، احکام بر مبنای قرآن انتخاب می‌شود. آقایان نمایندگان که در مجلس تشریف دارند، این موارد را می‌بینند. اگر چنانچه حکمی در آن‌جا بیاید که بر خلاف احکام اسلام باشد، رد می‌شود؛ بروبرگرد هم ندارد. هر چه بر خلاف فقه باشد، "فاطرحوه علی الجدار" می‌شود؛ ولو تصویب هم شده باشد.

شما در کشوری زندگی می‌کنید که اراده‌اش بر این است که به شؤون صدر اسلام و به همان صفا و بساطت و عدالت و قاطعیت در راه دین و به همان خصوصیات "اذله علی المؤمنین اعزه علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله" و از این قبیل مشخصات و ممیزات برگردد. کشوری که می‌تواند ان شاء الله قاعده‌ی برای تجدید حیات اسلام بشود. چنین فضایی، خیلی مهم است و زندگی در این محیط و فضا، خیلی مسؤولیت دارد.

به نظر من، دو امر را شما آقایان اهمیت بدهید: امر اول، عبارت از تقویت و تبیین و تشریح هر چه بیشتر اسلام برای مردم خودتان است؛ همان که از شما حرف می‌شنود و استفسار می‌کند. مردم را با احکام دین آشنا کنید و دین هم از سیاست جدا نیست. یکی از احکام دین، احکام اداره‌ی امور کشور و احکام سلطانیه است. در فقه، بابی است که ابواب احکام سلطانیه است. پس، احکام سلطانیه هم از دین است. کسانی که اینها را از هم جدا می‌کنند، دشمن دین و غارتگر میدان سیاستند.

توجه کنید که به امور تکراری و سطحی و برای مردم عادی شده، اکتفا نکنید. خیر، از توحید و نبوت و حکومت و اعتقادات و جهاد اسلام، از تعلیم و تربیت در اسلام، از رشد استعدادها در مسلمین، از سابقه‌ی اسلام که چه حکومتی در دنیا داشت، برای مردم بگویید و آنها را نسبت به اسلام حالت اعتزاز ببخشید تا هر کسی - بخصوص جوان - احساس اعتزاز کند که مسلمان است. یک وقت بود که تفکر کمونیستی شایع بود؛ ولی حالا که دیگر به خودی خود این تفکر بر افتاده است و کذب و غلطش ثابت شده و بحمدالله آن "کفی الله المؤمنین القتال" در مقابله با کمونیسم، برتری خود را به اثبات رسانده است. البته، راه شکوک بر ذهنها بسته نیست؛ بایستی شکوک را از ذهنها زدود.

امر دوم، تأکید روز افزون بر مسأله‌ی وحدت است. سالها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل سنت صحبت می‌کردم، به آنها می‌گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه این که شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست؛ بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می‌گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد.

اگر کسی مخلص‌الله احساس می‌کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد؛ والا او می‌رود کتاب "احقاق الحق" را می‌آورد و به رخ این می‌کشد و این هم می‌رود کتاب "تحفه‌اثنی عشریه" را می‌آورد و به رخ آن می‌کشد! هر دو هم به قدر کافی کتاب پر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشته‌اند! اگر ما بخواهیم گذشته را مطرح کنیم، نمی‌شود به وحدت رسید. باید نگاه کنیم، بگوییم: گذشته، گذشته است. "رحم‌الله معشرالماضین". ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها هر کاری کرده‌اند، ما امروز می‌خواهیم تکلیف خودمان را - بیننا و بین‌الله نگاه کنیم. بینناوبین‌الله، امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم. اگر بخواهیم این را عمل بکنیم، باید از گذشته صرف نظر کنیم.

این دارالتقریبی هم که ما مطرح کردیم، برای این است. دارالتقریبی که در مصر بود، از نظر ما عزیز و بسیار محترم بود؛ الان هم محترم است. متأسفانه نمی‌گذارند و نگذاشتند کار کند. فقط در یک برهه از زمان که مجلات "رساله‌الاسلام" منتشر می‌شد و مرحوم "شلتوت" و "شیخ سلیم" و رؤسای شریف ازهر حیات داشتند، دارالتقریب خوب حرکت می‌کرد. مرحوم "آیه‌الله بروجردی" که مرجع تقلید ما بود، پشتیبان دارالتقریب مصر بود. رئیس ازهر، اول "شیخ سلیم" بود که پایه‌گذار و در حقیقت زمینه‌ساز دارالتقریب بود و بعد مرحوم "شیخ محمود شلتوت" رئیس ازهر شد که مفتی دیار مصریه بود. او هم خودش رئیس این دارالتقریب بود. اینها پشتیبان تقریب بودند. اینها که از طرفین رفتند، نه در تشیع و نه در تسنن، دیگر آن عالمی که روی این مسأله خیلی پافشاری کند، دیده نشد. البته، بعد از مرحوم "آیه‌الله بروجردی" آقایان علمایی بودند. نه این که قبول نداشته باشند؛ همه معتقد بودند، لیکن آن انگیزه‌یی را که مرحوم "آیه‌الله بروجردی" روی مسأله‌ی تقریب داشت، آنها نداشتند. در بین تسنن هم همین طور بود. بعضی از آنها به مشهد آمده بودند و من بعضی از آقایان بعد از مرحوم "شلتوت" را دیده بودم. علمای ازهر به ایران می‌آمدند و با علمای شیعه هم تماس می‌گرفتند؛ لیکن آن انگیزه‌ی فعال و جوشانی را که دنبال این قضیه بودند، نداشتند؛ لذا "دارالتقریب"، اسم بی‌مسماپی شده بود.

ما که نمی‌توانیم منتظر بنشینیم که در قاهره یا در فلان شهر دیگر دنیای اسلام، یک وقت یک نفر به فکر تقریب بیفتد. خودمان بایستی این دارالتقریب را به وجود آوریم؛ البته بر مبنای هماهنگی و همکاری فکری و فقهی با هر مرکزی که در دنیا برای تقریب وجود داشته باشد. یعنی در این جا، بایستی کسانی از علمای ایران - چه اهل سنت و چه شیعه - پایه‌های اصلی این دارالتقریب را تشکیل بدهند.

ما بحمدالله در این جا علمای خوبی از برادران اهل سنت - چه علمای حنفیه و چه علمای شافعی - داریم که فاضل و

عالم و فقیهند. ما با اینها صحبت کرده‌ایم. اینها با مسایل اسلامی و قرآنی آشنا هستند و می‌دانیم که وارد و مطلعند. ما هم اینها و هم علمای شیعه را - که بزرگانشان در این جا هستند - قاعده‌ی کار قرار می‌دهیم و بنا داریم که از علمای دنیای اسلام - اعم از شیعه و سنی - دعوت کنیم که هر کس خواست، همکاری کند. الان هم برادران ما در این جا، برای این کار تمهید مقدمات می‌کنند. هر کس هم در این زمینه پیشنهادی داشته باشد، آن را به آقایانی که در این جا هستند، بدهد تا ان شاء الله در تنظیم و ترتیب این کار، کاملاً جدیت و کوشایی بخرج داده شود و نظرات آقایان دخالت داده شود.

مردم را به دستهایی که امروز وحدت را می‌شکنند، توجه بدهید. با مردم هم صریح حرف بزنید. امروز، آن دستی که امریکا علیه وحدت تجهیز کرده، عبارت از همین دست پلید وهابیت است. این را صریح به مردم بیان کنید؛ پرده‌پوشی نکنید. از اول، وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی - مثل اسرائیل - در بین جامعه‌ی مسلمانها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای این که پایگاهی علیه اسلام درست کنند، به وجود آوردند، حکومت وهابیت و این رؤسای نجد را به وجود آوردند تا داخل جامعه‌ی اسلامی، مرکز امنی داشته باشند که به خودشان وابسته باشد و می‌بینید هم که وابسته‌اند.

الان این سلاطینی که در بقعه‌الاسلام وهابی هستند، از این که به وابستگی و رفاقت و طرفداری خودشان از سیاستهای دشمنان اسلام - یعنی امریکا - تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمی‌دارند. اگر کسی بگوید شما با امریکا مخالفید، بدشان می‌آید! اگر کسی بگوید شما با امریکا موافق و همدستید، بدشان نمی‌آید! این، درست یک میزان و ملاک و معیار است. شما باید مسلمان و حاکم اسلامی واقعی را هم از این جا بشناسید. آن که با دشمنان اسلام دشمن است، او در خط اسلام است و آن که با دشمنان اسلام دوست می‌باشد و مباحی به این دوستی است، او در خط کفر است. دوستی او به معنای همپیمانی و وابستگی و به معنای این که منافع او را در حد "اشدرعایه" رعایت کند، است. وقتی که در کشور و شهر او بگویند: "مرگ بر امریکا"، او بدش بیاید! یک وقت، مردم خودش می‌گویند: "مرگ بر امریکا"، که ممکن است امریکاییها بگویند چرا مردم خودت این شعار را می‌دهند؟ اما یک وقت، میهمانان یا مسافرانی از جای دیگر به این جا آمده‌اند و می‌گویند: "مرگ بر امریکا"؛ تو چرا سینه سپر می‌کنی؟! این نیست، مگر همکاری و همراهی شدید با دشمن خدا و اسلام. این، همان ریشه‌ی وهابیت است که امروز ثمره‌ی پلید و خبیثه‌ی خودش را نشان می‌دهد.

وهابیت، بر مبنای ایجاد اختلاف بین مسلمین به وجود آمده است. همین الان ما اطلاع داریم و می‌شناسیم که علمای حنابله‌ی غیر وهابی در عربستان سعودی، دلشان از این وهابیه‌ها خون است. اینها حنابله‌ی هستند که وهابی نشدند. فقه، همان فقه و مبنای فقهی، همان مبنای فقه حنبلی است؛ اما موازین و اصول وهابیت را قبول نکردند. اینها غالباً هم مطرودند؛ یعنی عموماً این افراد، داخل در حکومت هم نیستند. نه افتایی، نه امامتی و نه هیچ منصب دیگر هم در اختیارشان قرار نمی‌گیرد. تعداد این افراد هم زیاد است.

اینها در ولادت رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) مولودیه می‌خوانند. در نظر سعودیه‌ها، خواندن مولودیه و امثال آن حرام است! نباید به پیامبر (ص) "سیدنا رسول الله" گفت! نباید قبر پیامبر (ص) را بوسید؛ چون حرام است! چرا اینها در شبهای میلاد پیامبر (ص) در خانه‌های خود - حتی در مکه و بعضی جاهای دیگر - مخفیانه مولودیه می‌خوانند؟ طبیعی است که این حکومت، دشمن اسلام است. الان هم در هر جای دنیای اسلام که نگاه کنید، با پول بی حسابی که در اختیارشان است، مسجدسازی و مدرسه‌سازی و کتابخانه‌سازی و کارهای فریبنده‌ی دیگر می‌کنند. پول هم که چشم افراد را می‌گیرد. آنها با این کارها وارد می‌شوند و در طریق اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند که البته این، خیانت قطعی است و اگر کسی چنین حرکتی بکند، قطعاً خیانت کرده است و حتماً بایستی با او به عنوان یک خائن برخورد کرد. مردم را نسبت به این قضیه آشنا و متوجه کنید.

امیدواریم که خدای متعال به شما خیر و توفیق بدهد و ان شاء الله روزبه‌روز، دل‌های ما را به هم نزدیک کند و با گذشتگان ما - کسانی که ما با آنها دوست بودیم و در همین جمع ما و شما بودند و حالا نیستند و به رحمت الهی رفته‌اند - با رحمت و مغفرت خودش برخورد کند. خداوند ان شاء الله با ما هم با رحمت و مغفرت و هدایت خودش



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

معامله نماید.
والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته